

بلائیای واردہ بحضرت بہاء اللہ از بایان در عراق و کیفیت مہاجرت بکردستان و مراجعت

حضرت بہاء اللہ

اصلی فارسی



لوح رقم (119) امر و خلق - جلد 2

۱۱۹ - بلائیای واردہ بحضرت بہاء اللہ از بایان در عراق و کیفیت مہاجرت بکردستان و مراجعت

و از حضرت بہاء اللہ در ایقان است قولہ الاعلیٰ درین ایام رائحہ حسدی وزیدہ کہ قسم بمبری وجود از غیب و شہود کہ از اول بنای وجود عالم با آنکہ آنرا اولی نہ تا حال چنین غل و حسد و بغضائی ظاہر نشدہ و نخواہد شد چنانچہ جمعی کہ رائحہ انصاف را نشنیدہ اند ریایات نفاق بر افروختہ اند و بر مخالفت اینعبد اتفاق نمودہ اند و از ہر جہت رمی آشکار و از ہر سمت تیری طیار با اینکہ ما احدی در امری افتخار نمودیم و بنفسی برتری نجستیم مع ہر نفسی مصاحبی بودم در نہایت مہربان و رفیقی بغایت بردبار و رایگان با فقراء مثل فقراء بودم و با علماء و عظماء در کمال تسلیم و رضا معذک فواللہ الذی لا الہ الا ہو با آنہمہ ابتلاء و بأساء و ضراء کہ از اعداء و اولی الکتاب وارد شد نزد آنچه از احباء وارد شد معدوم صرف است و مفقود بحت ... و اینعبد در اول ورود این ارض (ورود بیغداد سنہ ۱۲۶۹ ق) چون فی الجملہ بر امورات محدثہ بعد اطلاع یافتم از قبل مہاجرت اختیار نمودم و سر در بیابانہای فراق نہادم و دو سال وحدہ در صحرا ہای ہجر بسر بردم (کردستان عثمانی بدون عائلہ رفتند) و از عیونم عیون جاری بود و از قلم بحور دم ظاہر چہ لیلی کہ قوت دست نداد و



ORIGINAL

چه ایام که جسد راحت نیافت و با این بلاهای نازله و رزایای متواتره فولذی نفسی بیده کمال سرور موجود بود و نهایت فرح مشهود... قسم بخدا که این مهاجرتم را خیال مراجعت نبود و مسافرتم را امید مواصلت نه مقصود جز این نبود که محل اختلاف احباب نشوم و مصدر انقلاب اصحاب نگردم و سبب ضراحتی نشوم و علت حزن قلبی نگردم... اگر چه هر نفسی محملی بست... تا آنکه از مصدر امر حکم رجوع صادر شد لا بدآ تسلیم نمودم و راجع شدم... حال دو سنه میگذرد که اعدا در اهلاک اینعبد فانی بنهایت سعی و اهتمام دارند... معذلتک نفسی از احباب نصرت نموده... بلکه از عوض نصر حزنها که متوالی و متواتر قولاً و فعلاً مثل غیث هاطل وارد میشود... این حرف مذکور مشهور در سبیل نقطه اولی و کلمه علیا فدا شود و جان بازد.

و در لوح خطاب بحاج محمد کریمخان قوله الاعلی دوازده سنه در بغداد توقف شد و آنچه خواستیم که در مجلسی جمعی از علماء و منصفین عباد جمع شوند تا حق از باطل واضح و مبرهن شود احدی اقدام نمود.